

گزارش «فرهیختگان» از کتاب «ایستگاه خیابان روزولت»

ایستادن روی دیوار حقیقت



مریم فضائلی
فرهنگ‌نگار گروه فرهنگ

اثر پروانه‌ای اتفاقی که روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در خیابان روزولت سابق رخ داد را می‌توان تا همین الان درک کرد. اتفاقی که با گذشت ۴۵ سال، کماکان بازیگران و ناظران سیاسی را مجبور به توقف و نظر دادن در این باره می‌کند. محمد محبوبی با همکاری و کمک مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی کتابی نوشت با نام «ایستگاه خیابان روزولت؛ روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران». هرساله با نزدیک شدن به ۱۳ آبان خلأنبود روایتی جامع از این اتفاق احساس می‌شود. امسال با چاپ این کتاب و تفریظی که رهبر انقلاب برای آن نوشته‌اند، این جای خالی کمتر از سال‌های پیش به چشم آمد. رهبر انقلاب در تفریظ کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» بیان کرده: «این، گزارشی متقن و پرفایده از یک حادثه مهم در تاریخ انقلاب یعنی تسخیر لانه جاسوسی در سال ۵۸ است. این کتاب پرکننده یکی از خلأهای رسانه‌ای و تبلیغاتی ما است. ما به جنگ روایت‌ها در پیکارهای جهانی توجه لازم را نکرده‌ایم و دشمنان و بدخواهان ما از غفلت ما بهره برده و بسیاری از حوادث را وارونه نشان داده‌اند. باید از نویسنده این کتاب و تلاش ارزشمندش قدردانی شود، به خاطر اقدام هشیارانه‌اش در این عرصه مهم. نثر کتاب روان و رسا و تحقیق و تحلیل‌های آن منطقی و صادقانه و قانع‌کننده است. نام انتخاب شده برای کتاب عالی است.»

در ۶۰۸ صفحه کتاب، از منابع و اسناد داخلی و خارجی استفاده شده تا گزارش جامعی از روابط ایران و آمریکا از روز تسخیر سفارت در آبان ۱۳۵۸ تا آزادی گروگان‌ها در دی ۱۳۵۹ ارائه شود. برخی منابع برای اولین بار در این کتاب استفاده شده‌اند. در این اسناد، هویت تعدادی از منابع سی‌آی‌ای در بدنه اداری و نظامی کشور افشا شده است.

یکی از افرادی که در این کتاب به هویتش پی می‌بریم، ویکتوریا بصیری، دیپلمات ارشد و مشاور وزیر در سال ۱۳۵۸ بود.

او که یکی از برجسته‌ترین منابع سی‌آی‌ای در وزارت امور خارجه بود، در

ایستگاهی برای خواندن و تعیین تکلیف

خیابان روزولت که نام قبلی خیابان مفتح فعلی است، در بخشی از نام کتاب دیده می‌شود. نویسنده درباره علت نام‌گذاری کتاب می‌گوید: «درواقع یک ایهام در آن به کار رفته است. وجه اول ایهام این است که منظور ما از ایستگاه خیابان روزولت، سفارت آمریکاست. مستحضرید پیش از پیروزی انقلاب، خیابان مفتح فعلی که ضلع شرقی سفارت آمریکا می‌شود، خیابان روزولت بود. ایستگاه خیابان روزولت درواقع یکی از کارکردهای این ساختمان، یعنی عمارت مرکزی سفارت آمریکا، به عنوان یک ایستگاه اطلاعاتی بود که اسناد به خوبی این را به تصویر می‌کشد. وجه دوم این است که مسئله روابط ایران و آمریکا یک موضوع منجمد شده در تاریخ

در پاسخ به شبهه

در تسخیر سفارتخانه آمریکا برخی شبهه‌ها وجود دارد. برای مثال همه سفارتخانه‌ها جمع‌آوری اطلاعات می‌کنند و ایستگاه اطلاعاتی دارند اما سفارتخانه آمریکا مورد تسخیر قرار گرفته. کتاب با توجه به این ایهام، اسنادی را استفاده کرده تا فعالیت جاسوسی آمریکا را نشان دهد. محمد محبوبی، نویسنده کتاب با توجه به این شبهه گفت: «یکی از چیزهایی که ما در روایت آمریکایی‌ها یا روایت دولت آمریکا از این واقعه داریم این است که تسخیر سفارت در واکنش به جمع‌آوری اطلاعات بود. یعنی در آن زمان، برخی از دانشجویان پیرو خط امام به نقل از دولت موقت می‌هین را در خاطرانشان می‌گفتند. دولت موقت می‌گفت شما اطلاع ندراید وگرنه این کاری که در سفارت آمریکا دارد صورت می‌گیرد، یک اتفاق مرسوم است؛ حتی ما، یعنی ایران هم در کشورهای مختلف جهان همین کار را می‌کنیم. یعنی جمع‌آوری اطلاعات در حوزه مأموریت خودش. اما آن چیزی که ما تلاش کردیم در کتاب نشان بدهیم و اسناد هم به خوبی این را نشان می‌دهد، این است که سفارت آمریکا در تهران اکتفا نمی‌کرد به جمع‌آوری اطلاعات در حوزه مأموریت. بلکه بسیار فراتر از آن، یعنی درواقع کارکرد اصلی‌اش عملیات در حوزه مأموریت بود؛ یعنی مداخله در امور داخلی ایران از طریق سفارتخانه. مادرپخش‌های قبل از تسخیر این را توضیح دادیم که به چه شیوه‌ای بوده، حتی با تزریق پول و سرمایه‌ی زیاد و دلارهای زیاد در گروه‌های سیاسی این اتفاق صورت می‌گرفت. تمایز سفارت آمریکا در این مقطع با سفارتخانه کشورهای دیگر و حتی سفارت ایران در کشورهای دیگر این است که صرفاً جمع‌آوری اطلاعات نمی‌کرد، بلکه عملیات انجام می‌داد و

ایجاد زاویه دید ایرانی

محمد محبوبی درباره علت رفتن به سراغ سوزه‌ای با این مختصات دو دلیل را بیان کرد و گفت: «در کتاب‌های تحلیلی که از اوایل دهه ۶۰ انتشارشان شروع شد، بیشتر از زاویه دید آمریکایی‌ها به موضوع نگریسته شده است. این ضعف باعث شده تسخیر سفارت آمریکا در سال ۵۸ به عنوان یک موضوع متمایز و نیازمند بررسی بیشتر مطرح شود. به عبارت دیگر، این واقعه یکی از مناطق محروم تاریخ‌نگاری ایران به شمار می‌آید که به آن پرداخته نشده است. علاوه بر این، رهبر

در تولید منابع دست اول ضعیفیم

محبوبی درباره محدودیت منابع فارسی در این زمینه گفت: «در تولید منابع دست اول ضعیفیم، موضوع تسخیر سفارت آمریکا در تهران در سال ۵۸ یکی از مسائلی است که منابع فارسی مربوط به آن بسیار محدود است. چه منابع دست اول و چه منابع دست دوم که درواقع فرآوری منابع دست اول و تحلیل آن‌ها را شامل می‌شود. منابع دست اول معمولاً شامل اسناد مراکز، خاطرات اشخاص دخیل در واقعه، مانند خاطرات گروگان‌ها، مقامات آمریکایی و مقامات کشورهای دیگر است که در این ماجرا درگیر بودند. همچنین یادداشت‌های روزانه افراد که منتشر شده‌اند نیز به عنوان منابع دست اول محسوب می‌شوند. بیش از ۹۵ درصد این منابع، آمریکایی‌اند و مادر تولید منابع

تسخیر یا اشغال؟

نویسنده با اینکه از منابع خارجی استفاده کرده، درباره زاویه دید ایرانی که در کتاب داشت، گفت: «زاویه دید ایرانی به معنای موضع و جایگاهی است که شما از آنجا به واقعه نگاه می‌کنید. استفاده از منابع خارجی به معنای داشتن نگاهی همسوی با آن‌ها نیست. در سایر عرصه‌های پژوهشی اسنادی نیز همین وضعیت را شاهدیم. شما می‌توانید از منابع مشترک، زاویه‌دیدهای مختلفی استخراج کنید. برای مثال، در مورد خود مسئله سفارت آمریکا دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از سال ۶۰ به بعد مجموعه‌ای از اسناد را منتشر کردند که مجموعاً به هفتاد و چند جلد می‌رسد. این دانشجویان یک ادراک و برداشت خاص از این اسناد دارند. اما نویسندگان خارجی، مانند مارک گازیو روسکی، با استفاده از همین اسناد، برداشت‌هایی کاملاً مغایر و متضاد ارائه می‌دهند. این همان مسئله‌ای است که رهبر انقلاب به آن اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، تعبیر «جلاد» و «شهید» که ایشان به کار بردند یا می‌توان به ادبیات حقوقی به آن «خوانده» و «خواهان» گفت. در روایت‌های مختلف شما می‌توانید یک واقعه

فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب باخت

محبوبی علت انتشار کم خاطرات در قالب کتاب را تفاوت فرهنگ ایرانی با فرهنگ غربی دانست. او با ابراز اینکه فرهنگ ایرانی شفاهی است، گفت: «فقط یک عامل در این موضوع که فقط سه نفر خاطراتشان را مکتوب کردند، دخیل نیست؛ عوامل مختلفی در این واقعه تأثیر دارند. ولی علت مهمش این است که اصولاً در جوامع غربی، فرهنگ سیاسی یک فرهنگ سیاسی مکتوب است. مثلاً شما می‌بینید رؤسای جمهور آمریکا همه کتاب خاطرات منتشر می‌کنند و دست به قلم‌ند و روایت خودشان را مکتوب می‌کنند. در کشور ما بیشتر ادبیات شفاهی

علت ضعف مراکز تاریخ‌نگاری

او علت ضعف مراکز سند پژوهی و تاریخ‌نگاری را اینگونه گفت: «یکی از آسیب‌های این‌گونه مراکز، یعنی مراکز اسنادی، آرشویی، سند پژوهی و تاریخ‌نگاری، می‌مسئلتگی است. در واقع، این مراکز بیشتر به حالت اقتضایی فعالیت می‌کنند، بدون اینکه مسئله‌ای داشته باشند یا مرزهایی که باید در آن‌ها فعالیت کنند را شناسایی کرده باشند و تلاش ویژه‌ای نمی‌کنند. فعالیت‌هایشان به‌صورت کاملاً اقتضایی است؛ به این معنا که فرضاً اگر الان یک مناسبت خاص وجود دارد یا مسئله‌ای جاری است، به آن مناسبت همایشی برگزار می‌کنند یا مجموعه مقالاتی جمع‌آوری می‌کنند. اما مسئله‌دار بودن به

اسناد؛ برگ برنده کتاب

محمد محبوبی درباره اسنادی که در این کتاب استفاده کرده، گفت: «اگر بخواهم اصلی‌ترین منبعی که به آن ارجاع داده‌ام را نام ببرم، اسنادند. من تلاش کردم طیف وسیعی از اسناد را تا جایی که دستم می‌رسید، ببینم. این اسناد شامل اسنادی است که طرف غربی منتشر کرده، مثل وزارت امور خارجه آمریکا، وزارت دفاع آمریکا، اسنادی که نخست‌وزیری بریتانیا و وزارت امور خارجه بریتانیا منتشر کرده‌اند و حتی اسناد دولتی کانادا، استرالیا و کشورهای مشترک‌المنافع. همچنین اسناد بایگانی

مصائب کار با سند

نویسنده کتاب ایستگاه خیابان روزولت درباره دشواری کار با اسناد اعلام کرد: «مسئله دیگری که داشتیم، برانگدگی اسناد بود. یعنی این اسناد در یک جا متمرکز نیستند و در سازمان‌های مختلف توزیع شده‌اند. لذا ما باید با سازمان‌های آرشویی مختلف تلاش می‌کردیم تا به این اسناد در این بازه زمانی دسترسی پیدا کنیم، ولی مشکل بزرگ‌تر، نمی‌دانم حالا فرهنگ سازمانی ایران این‌طور است یا مدیریت مراکز این‌طور است، این که دسترسی به اسناد بسیار دشوار بود. این چیزی است که پژوهشگران این حوزه، اگر از اغلبشان بپرسید، می‌گویند یکی از مسائل جدی‌شان دسترسی به سند است. یعنی مانع‌تراشی‌ها و اشکالات بروکراتیک و غیرضروری که پیش پای پژوهشگران ایجاد می‌شود، باعث می‌شود دسترسی به اسناد ایرانی بسیار سخت شود. درواقع دسترسی به اسناد آزاد شده کشورهای غربی راحت‌تر از برخی از بایگانی‌هایی بود که حتی تا آخر کار هم ما به آن‌ها دسترسی پیدا نکردیم. چون مراکز اسنادی بسیار متکثرند و اسناد در یک جا، علی‌رغم اینکه قرار بود این‌طور باشد، متمرکز نشده‌اند. سازمان‌های مختلف، وزارتخانه‌ها، ادارات و نهادهای غیردولتی اسنادشان را در اختیار خودشان نگه می‌دارند. و خیلی از مواقع، دسترسی به این سندها امکان‌پذیر نیست. ما تا جایی که

فرهنگ‌نگار

دست اول بسیار ضعیف‌تریم. برای مثال، از ۶۶ گروگان، بیش از ۳۰ نفر کتاب خاطرات خود را از زمان آزادی (سال ۵۹ به بعد) منتشر کرده‌اند. اما از حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ دانشجوی پیرو خط امام که طرف دیگر واقعه بودند، تاکنون بیش از سه کتاب خاطرات منتشر نشده است. این نشان‌دهنده یک عدم توازن و معادله نابرابری در تولید منابع است. در مورد اسناد آزاد شده نیز آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و کشورهای غربی معمولاً اسناد خود را در زمان‌های مختلف آزاد می‌کنند، درحالی‌که در ایران این وضعیت وجود ندارد و اسناد آزاد شده ما عمدتاً شامل اسناد آمریکایی (مانند اسناد لانه جاسوسی) است که در چندین جلد منتشر شده‌اند.»

را به گونه‌ای تعریف کنید که سرآغاز منازعه روابط ایران و آمریکا، تسخیر سفارت باشد یا اینکه به ۲۸ مرداد و کودتای آن سال برگردد. جامعه ایران از این منظر تسخیر سفارت آمریکا را یک حرکت واکنشی و تدافعی می‌بیند؛ به نوعی یک اقدام پیش‌دستانه برای مقابله با اتفاقی که تجربه تاریخی آن را نشان داده است. در همین اختلاف روایت‌ها شما می‌توانید دو تعبیر یا اصطلاح مختلف بسازید. مثلاً در ادبیات شرق شناسانه و در مطالعات پسااستعماری، می‌توانید این واقعه را «بحران گروگان‌گیری ایران» بنامید یا «تسخیر سفارت آمریکا». همچنین می‌توانید به جای «تسخیر» از اصطلاح «اشغال» استفاده کنید. این‌ها همه ادراک‌های مختلفی به افراد می‌دهند. به‌عنوان مثال در جامعه ایران، تسخیر سفارت آمریکا به «تسخیر لانه جاسوسی» معروف شد. درحالی‌که در ادبیات آمریکایی یا رسمی به‌عنوان «اشغال سفارت آمریکا» شناخته می‌شود. این تفاوت در نام‌گذاری‌ها نشان‌دهنده ادراکات متفاوت خوانش متفاوت جامعه ایران است.»

مطرح است؛ یعنی گپ و گفت و مصاحبه و از این قبیل. برای همین یک علت اصلی‌اش به نظم این است. اما یک علت مهم‌تر از این هم وجود دارد. اگر چنین وضعیتی حاکم است، مأموریت مراکز پژوهشی و مراکز اسنادی و مراکز سند پژوهی باید تقویت این ادبیات مکتوب باشد. یعنی باید اهتمام ویژه‌ای در گردآوری تاریخ شفاهی، ضبط و انتشار آن داشته باشند. این یک مسئله جدی است که متوجه مراکز آرشویی، سند پژوهی و پژوهشی ایران می‌شود و شاید حتی بشود گفت یک آسیب عمیق است که متوجه این مراکز است.»

این معناست که شما باید به تعبیر من «مناطق محروم تاریخ‌نگاری» را شناسایی کنید یا مثلاً آن خلأهایی که در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل وجود دارد را شناسایی کرده و به عنوان مسئله تعریف کنید و درصدد حل آن باشید. یعنی باید این را به عنوان یک گره بدانید که باید برطرف شود. اهالی تخصصی این حوزه یا حتی عموم مردم در این موضوع نیاز به توضیح بیشتر دارند و به حل این گره و مسئله نیازمندند. این یکی از مأموریت‌های این مراکز است اما عموماً این مراکز در این فعالیت‌ها اهتمام چندانی ندارند و اصولاً کارها به‌صورت اداری و بروکراتیک ادامه پیدا می‌کند.»

سازمان ملل را هم بررسی کردم. این یک طیف بسیار وسیع است که تا جایی که توانستیم به آن‌ها دسترسی پیدا کردیم. در مقابل همه این‌ها، تلاش کردم برای اولین بار اسناد طرف ایرانی در این موضوع را نیز ببینم، تا جایی که دسترسی پیدا می‌کردیم. این اسناد از دوره ساواک شروع می‌شد، یعنی در سوابق روابط ایران و آمریکا، که اسناد ساواک تولید کرده بود و حرف‌های ناگفته‌ای در آنجا به چشم می‌خورد، تا دوره جمهوری اسلامی و بعد هم بیانه‌های الجزایر.»

توانستیم تلاش کردیم به یک مجموعه خوب از اسناد ایرانی در این موضوع دست پیدا کنیم تا بتوانیم با اسناد مغایر آن تطبیق بدهیم و راستی‌آزمایی کنیم.»

نویسنده از لحن خشک و حتی گاهی سخت فهم سند ها گفت: «بعضی قسمت‌های کتاب، یک برگردان ادبی از سندنند. کسانی که با اسناد دولتی و رسمی کار کرده‌اند، می‌دانند که ادبیات خیلی خشک و بعضاً سخت‌فهمی دارد. یعنی شما حتی برخی از اسناد رسمی‌تر و درون سازمانی‌تر ادارات مختلف را که می‌بینید، متوجه می‌شوید ادبیات خشکی دارد و اگر شما عین آن متن را در کتابی یا مقاله‌ای استفاده کنید، خسته‌کننده می‌شود. به عنوان مثال، فرض بفرمایید مثلاً در ۲۰ صفحه کتاب شما تلاش کرده‌اید یک برگردان ادبی و روان از آن ارائه بدهید، تا اینکه عین یک گزارش ۲۰ صفحه‌ای با ادبیات خشک و رسمی باشد. خب، این خیلی خسته‌کننده می‌شود. تلاش ما بر این بود که یک مقدار به اصطلاح تیزی‌های این خصلت سندی را بگیریم. این خصلت سندی که خیلی خشک است، تلاش کردیم یک مقدار نرمش کنیم تا روان‌تر و خواناتر شود. این علت اصلی آن بود که بتوانیم تدام بحث را حفظ کنیم و از خسته‌کننده بودن کتاب جلوگیری کنیم.»